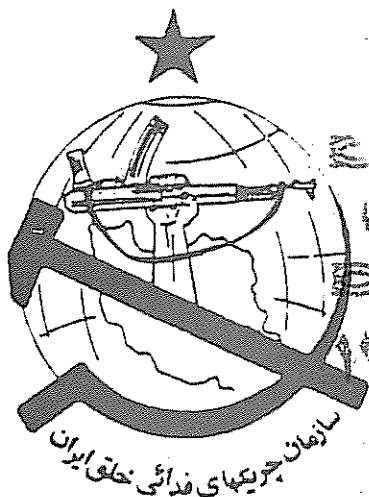


خبرنامه

سال دوم



چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۵

شماره: ۵۵

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

پیش‌بوی سازمان‌دهی مسلح توده‌ها!

تکثیر از

هواپاران: چریکهای فدائی خلق ایران

گرامی بادا اول ماه ماه روز جهانی کارگران



اخبار مهاباد

در روز سه شنبه ۵۹/۱۲/۱۲ ارتش و پاسداران صدخلقی منطقه گمرک تا محدوده سواره‌فناشی را گرفتند و خانه‌های مردم را یکی بعد از دیگری با زرسی کردند تا با ملاح از آنان نام نویسی کرده و برای تان کویس مادر کنند!!

در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۶، ارتش و پاسداران که در تبه‌های اطراف شهر مستقر هستند، محله "مجبور آباد" را، زیر آتش خمپاره و توپ گرفتند.

در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۶، نانواییهای شهر با زشد. دیگر دکانها نیز با زشد و مردم به سرکار روزانه خود رفتند در ساعت ۱/۵ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۹/۱۲/۱۷، یک ستون ارتشی که سوسیله سه هلی کوپتر پشتیبیا نسبی میشد، به شهر وارد شد و در پادگان مستقر گردید.

مدتی است که پاسداران دست به شاعر نویسی بر روی دیوارهای شهر زده‌اند. مردم نیز بعنوان اعتراض بر روی شمارهای آنان خط میکشند.

پاسداران مدتی است که برای نشان دادن قدرت سرکوب خود در شهر بنامایش می بردارند. یک ماشین سیمرغ حامل پاسداران که مسلسل کالیبر ۵۰ بر روی آن نصب شده است، دانشما "در شهر گشت می زند، در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۰ مدارس ابتدائی شهر شروع بکار کردند و دانش آموزان سرکلاسه‌های درس رفتند.

در شب ۵۹/۱۲/۲۳، هفت مفاز در شهر مهاباد مورد دستبرد قرار گرفت، بیش از این سرچشمه بین خانه مورد دستبرد واقع شده بودند. بنظر مردم مهاباد کسانی که به این دزدیها مبادرت میکنند از حمايت و پشتیبانی پاسداران برخوردارند. در شب ۵۹/۱۲/۲۶، در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر میتینگی در چهار راه آزادی بسنا سبت شب چهارشنبه سوری برگزار گردید که با سرود "شهر قیب" شروع شد و به دیگر خیابانها کشیده شد. مردم شمار میدادند: "مهاباد، مهاباد - شهر قهرمان پرور"، "بژی بوشیدانت - مهاباد، مهاباد"، "درود بر پیشمرگه - نطفه ارتش خلق"، و "هر بژی - بژی - هیزی پیشمرگه - دژ من نصیبت مرگه". در این تظاهرات هواداران جریکهای فدائیی خلق ایران فعالانه شرکت کردند.

مسئول مالی سپاه پاسداران شهر مهاباد بنام "حاجی شرکه" مقدار زیادی پول که بابت مواد سوختی - خوار و بار از مردم گرفته است به جیب زده است. او این مبلغ را بدیبا نه اینکه مدتی شهر در دست پیشمرگسان بوده و آنها نفت و گاز و شیل و سزین را ما بین مردم تقسیم کرده‌اند، سه بانک تریخته و به جیب مبارک خود دوا - ریز کرده است.

نمایش فیلم "کردستان سنگر آزادگان" در شهر بوکان

در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۶، جریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت گرامیداشت سالگرد شهادت ۱۳ جریک فدائی خلق از مردم بوکان دعوت نمودند تا به تماشای فیلم "کردستان سنگر آزادگان" که در باره حمله دوم سنندج است و توسط جریکهای فدائی خلق ایران تهیه شده است، بنشینند.

نمایش فیلم با استقبال بی نظیر مردم بوکان مواجه شد. مراسم با اعلام برنامه آغاز شد و پس از آن سرود ملی خلق گرد خوانده شد. سپس فیلمی از ویسنام بنمایش درآمد. آنگاه متن نمایش دربار فیلم "کردستان سنگر آزادگان" خوانده شد و سپس این فیلم بنمایش درآمد.

در روز ۲۶ اسفند، فیلم در دو نوبت به نمایش گذاشته شد. اما بدلیل استقبال بسیار مردم شهر مان

بوکان نمایش فیلم در روزهای ۲۷ و ۲۸ اسفند هر روز در سه نوبت ادا می یافت .
در هفت نوبت آن نمایش فیلم ، سالن از جمعیت معلوم نکردند و مردم در باره این فیلم و ساززات فلسفی
دلیر گردیده بحث می پرداختند .

سندج*

در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۹ ، خانواده شیدای سندج به اتفاق دیگر مردم به قزوستان میبارفتند . جمعیت
عظیمی در محل جمع شده بود که پلاکاردهائی به همراه خود داشتند . جمعیت شروع به داد و ستد نمود . در این
میان پاسداران و جاشها کد قیلا" در خیابانهای اطراف موضع گریخته بودند . به نزدیکی قزوستان آمده و شروع
به تیراندازی هواشی کردند .

پاسداران چندتن از دختران مبارزی را که در تظاهرات شرکت داشتند ، دستگیر کرده ، بزور جلوبوی عینی
- بوسی را گرفته و دختران را سوار آن نمودند تا آنها را به مقر پاسداران و جاشها ببرند . راننده عینی بوسی
پس از طی مسافتی پاسداری را که در مینی بوس بود ، با ضربات پشت از ماشین با شین انداخته و سر همت از محل
دور شد و دختران را در چند خیابان پائین تر پیاده کرد .

در این روز و اوضاع شهر سندج متشنج بود ، تعداد پاسداران گشتی زیاد شده بودند و آنها ضروری ریسائی را
برای کنترل شهر به خیابانها آورده بودند .

هر بژی خه بات چک و ارانه که تهنیا ریگای گی شتن به زرگاری بند

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است

روستای قبا نکنندی

از تب مشرف به روستا آنها را زیر آتش خمپاره و گلوله
گرفتند .

در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۰ ارتش و پاسداران برو-

* * * * *

ستای قبا نکنندی یورش بردند که در اثر آن یک جوان به

روستای کامبرضا خان

در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۸ ، پاسداران بروستای گلر

نام سیراج موه من یورش بردند و عده ای از زنان و کود-

رضا خان ، وحشیانه یورش بردند ، در اثر این حمله ۴ جا-

گان زخمی شدند . از آن پس این روستا تقریباً خالی

شده روستائی ویران شد و یک کودک شهید و یک پسر زخمی

از سکنه بود و روستا ثبا ن قبا نکنندی به روستاهای مجاور

گردد . حمله به روستاهای اطراف میا بند و آب به چنسان

پناه برده بودند تا اینکه در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۸ ، پاسد

ادا مدد را در ارتش در تاریخ ۶۰/۱/۱ اعلام کرده است که

- ارا ن مجددا " به این روستا یورش بردند که اینبار

در صورت کوچکترین مقاومتی از سوی روستا ثبا ن ، رو-

با مقاومت مسلحانه روستا ثبا ن مواجده گردیدند . در این

مقاومت را با تاجک نکسان خواهد کرد .

درگیری ۴ پاسدار کشته و تعدادی دیگر نیز زخمی شدند .

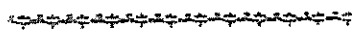
پاسداران بناچار مجبور شدند دست به عقب نشینی زده و

میان دو آب روزی نیست که صدای گناهیوش،

رژیم تمام جماقداران میان دو آب را مسلح کرده است. آنها همه کس، حتی سجه های شیرخواره را بازرسی میکنند و بدون هیچگونه اخلاقی بسوی مردم تیراندازی میکنند. پاسداران بزروربخانه ها میریزند و با توهین و کتک به بازرسی خانه ها میپردازند.

توب و خمپاره ارتش جمهوری اسلامی و پاسداران مستقر در بین میان دو آب، قحلی، سوگلی تبه و پلیس راه قطع شود. از زمانیکه ارتش با توب و تانک در میان دو آب مستقر شده است بطور مداوم روستاهای اطراف میان دو آب را زیر آتش خمپاره و توب و گناهیوش گرفته و به کشتار وحشیانه در روستایان و ویرانی روستاها همچنان ادامه میدهد. از زمان استقرار ارتش مزدور در میان دو آب، این شهر امنیت خود را از دست داده است.

دستگیریهای بسیاری صورت گرفته و اخراج دانش - آموزان بجرم فعالیت سیاسی و سخت یافته است. مردم میان دو آب در اضطراب و نگرانی بسر میبرند.



دهکده گان روستای تازه قلعه - سپاه پاسداران در روستای تازه قلعه، کتابخانه ای تأسیس کرده است که مرکز خبرچینی و توطئه پاسداران و جماقداران حکومت جمهوری اسلامی است. در اول اسفندماه، شبانه عده ای از اهالی روستا به این کتابخانه ریخته و وسائل آنرا بیرون ریختند.

پاسداران همراه با بسیج و کجیتدچی ها بدسریرستی حاجی جمشید و حاجی بهار، دانشما " بروسنا های مجاور میان دو آب و وحشیانه یورش میبرند و به قتل و غارت روستایان و آتش زدن روستاها مشغولند. پاسداران اموال روستایان را سفارت برده و برای آزار و اذیت هر چه بیشتر، بر روی احشام روستایان نفت ریخته و آنها را آتش میزنند.

روز بعد پاسداران از محل واقعه عکسبرداری کرده و صورت جلسه ای تنظیم نمودند.

روستایان زحمتکش برای تاء مین نفت و قند مخفیانه به میان دو آب میآیند و هنگامیکه مطمئن میشوند ندکه در کجای پاسدار نیست، درب خانه ها را زده و از آنها تقاضای نفت و قند میکنند. مردم آزاده میان دو آب نیز تا آنجا که بتوانند به این روستایان زحمتکش یاری میرسانند.

یکی از پاسداران میگفت: " مردم این ده عامی و نادانند، حیث نیست که به اینها نیکی کنی؟ " و غافل از آنست که مردم بسیار دانا تر از او هستند، آنقدر دانا بند که ما هیت این پاسداران و " کتابخانه " آنها را خیلی خوب میشناسند.

باز هم دغلتکاری رژیم جمهوری اسلامی

چندی است که شاه هدنمایش فیلمها، اسلاید، گزارشات مصورا ز تلویزیون رژیم هستیم که این نمایشات، نشاندهنده عمق درد ورنج مردم زحمتکش میهنمان است. یکروز وضع فلاکتبار کوردی زخاند های جنوب تهران و روز دیگر زندگی کودنشینان طلی آباد، البته نا گفته نماند روزی دیگر نیز نمایش جنگ آمریکا شیمان "متعدن" برای آوردن " تمدن " بسمان سرخوستان " وحشی ".

حال این سؤال مطرح شده که رژیم با این دغلتها و قصیدنیها داشتن چه چیز را دارد و چه چیز را میخواهد در ذهن بیننده حقه کند؟! آیا دم خروسی ما مانده است که از عیاشی بیرون نزده باشد؟ زیرا فقر و فلاکت توده ها آنقدر در بیان است که رژیم مجبور به اعتراف است تا به توده ها ثابت کند که با در دستمکشان آشناست و از اینرو خود را ملزم به احرای بازی های مذبحانند میکنند. و این در حالیست که توده ها بدرستی با گوشت و پیوست خردلیمس میکنند دستم طبقانی رژیمی را که از همان اوان روی کار آمدن، دم از حمایت " مستضعفین " زده و بنام آنها جنا یا شش را لاپوشانی میکشند و در بنام سرپا دمیزد: " مملکت مال زاغه نشینان " است.

ولی هر حرکت حق طلبانه را عدلیان را بفتح آمریکا دانست و با سرب داغ گلوبش راست . ولی چه باک کسی با مرگ هر صد هزاران صدافریا دسوزند . از انتخابات و فرزندهای کذاشی تا نمایش مفتضحانه ضداپریالیستی لاندجاسوسی ، از جنگ نیرما دلانه کنونی تا گشتا روحشیا ندخلق کرد در قهلاتان ، ایندرفاش ، یوسف ونه و ... همه و همه بنام " دستضعین " و برای " مستکبرین " صورت گرفته است . ولی کیست که نداند رژیم زحمتکشان خاک سفید را که میخواهند حداقل آلودگی بسازند ب خاک سیاه کتاند . کیست ندیده باشد کشا و رزترکمن و ایجاب طرنکه زمینی کوچک برای تاء مین معاش به توپ های چندمیلیمتری بست ، چه کسی لمس نکرد چشمه هسسه های فروشان عمیان کارگر شرکت واحد را که از سر خشم سرباز کرد زیرا در ازای عیدی مویه اش مارک آمریکاشی و گلوله های آمریکاشی نیز تحویل گرفت . چه کسی درد آن آوارهای را که در سمنان برای تکه های نان به خوردن سوری دست زد ، نفهمید . بلکه چه کسی ندیده است ؟ همه دیده اند نشانه های خون آلود زحمتکشان را که زیر بار ستم طبقاتی خم شدند . ولی رژیم جدید شما نه میگوید ؛ " اینها همداثرات رژیم گذشته است " . بلکه ایسین درست است که شما دجلاد زهی چگونه جنایتی در جهت سرکوب و ادبا رخلق فروگزار نکرد ، ولی سردمداران کنونی عزاین کرده اند ؟! اگر شاه منفور خاک سفید را ، کوره پزخانه ها را در تلویزیون نشان نمیداد ، ایسین بدان سبب بوده که هنوز اکثر " به عمق ستم آشنا نبودند ، هنوز جنبش نودهای به این حدت نرسیده بود . ولی حال کیست که نداند چگونه کودکان کارگر کوره پزخانه ها بجای کلاس درس و مدرسه در کوره های جهنم و در زیر آجر - ها جان می سپارند و کودکان قالی باف چه زود در زنده در دنیا را چون برگ خزان می اندازد و کارگران معادن انارک و گچساران در سال گذشته دهها شهید دادند و آوارگان جنگی را در قبرستانها اسکان داده اند و از کمی مواد غذایی در رنجند ، بلکه این رژیم جزرو سفید کردن رژیم سابق چه کرده است در این دو سال جز اعلام دشمنی با زحمتکشان چدتاجی بر سر خلق زده اند که اکنون مدعی زحمتکشانند . ولی زهی خیال باطل که زحمتکشان آگاه هند و با پوست و گوشت خود لمس میکنند که این رژیم هم ما نند رژیم سابق است و میداند که تا سلطه امپریالیسم باجاسعه ما هست . ظلم و ستم طبقاتی نیز هست و مبارزه خونین نیز ادا مدد را در زیر هرگز رنگ خوش و غم و ستمی و رنگ زیبای لبخند کودکان نشان را نخواهند دید و فقط مبارزه مسلحانه طولانی با امپریالیسم و ستمی میتواند باجاسعه ای شوین و آزادی واقعی را ایجاد نماید .

نمونه ای از اجماع رژیم به اقلیت های مذهبی کشورمان

درس جدیدی بنام ستم دینی در کتاب های دوره متوسطه امسال گنجانده شده که طی اطلاعیه آموزشی وزارت و آموزش تدریس و امتحان آن برای همه دانش آموزان الزامی است . مطالب این درس سراپا دروغ و تحریف است که از طرف سردمداران رژیم آگاهانه جهت پیشبرد اهداف ارتجاعی خویش تبلیغ میشود .

در بنده این اطلاعیه آمده است ؛ " تدریس این درس برای اقلیت های مذهبی نیز به استثنای بیست و هفتم ، دوازدهم ، سیزدهم و بیست و یکم ، الزامی است .

ظاهرا " این استثناء برای رعایت حقوق اقلیت های مذهبی در نظر گرفته شده ولی جالب است که ستم بدانییم بخش های دیگر کتاب جاری مطالبی است که سخودی خود تحمیل آن به اقلیت های مذهبی ، عدم رعایت حقوق حقه آنهاست . مثلا " فضیلهای خدائشاهی از دید اسلام - ما تریالیسم و زشتی های آن از دیدگاه اسلام و سایر مسائل باز از دیدگاه اسلام که مطالب در امتحان آن برای این اقلیتها الزامی است .

فهم روستای قاضی علیا

مردم این روستا که از زمان های بسیار دور تحت ستم و ظلم ارباب قرار داشتند، امروز نیز با توجه به فتوای های با مظلوم شریعی روحانیون همچنان در زیر ستم بسر میبرند. ارباب این روستا فردی با اسم لطفعلی خان فرزند معتضد است. معتضد یکی از فئودالیهای بزرگ زمان رضا خان بود که دور دهکده برج و بارو گنبد و از حکومت وقت برای سرکوب روستائیان این منطقه بودجه دریافت میکرد.

بعد از انقلاب، پادشاه و خانه خراب شدن کشتا و رزان، عده زیادی از روستا مهاجرت کردند، بطوریکه در حال حاضر فقط ۱۷ خانوار در این ده زندگی میکنند که تعدادی بکار کشتا و رزی و چوپانی میپردازند و عده ای بسبب برای کار به قم میروند. بعد از سقوط رژیم شاه، کشتا و رزان ابتدا تصمیم گرفتند زمینهای ارباب را مصادره کنند، ولی با سرکوب ارباب رو برو شدند. روستائیان برای دادخواهی نزد روحانیون قم رفتند. آنها آمیخت داشتند بدین وسیله تکذیبی برای کشتا و رزی در اختیار خواهند گرفت. ولی جواب روحانیون به خواسته های نادرانه دهقانان، آنها را متوجه ساخت که روحانیون فقط حامی سرمایه داران و اربابان هستند، زیرا آنها صوغت حرام بودن مصادره زمین را سردادند.

بالاخره هیئت هفت نفری برای رسیدگی به موضوع وارد جریان شد. و اکنون بنا به تصمیم این هیئت مقرر شده است کشتا و رزان روی زمین ارباب کار کنند بشرط اینکه سالی ۴ هزار تومان برای هزینه های نگه داشتن زمین بپردازند. این تصمیم البته بسیار مورد رضایت ارباب قرار گرفت، چون باین ترتیب ارباب همچنان صاحب زمین تلقی میشود و سالیانه مبلغ قابل توجهی نیز باین نصیب میشود بدون آنکه برای کسی آن ذره ای رحمت کشیده باشد. اینست ماهیت قوانینی که دست اندکاران رژیم جمهوری اسلامی وضع میکنند.

گزارشی از وضع زحمتکشان یوسف آباد لاهیجان

رژیم فدا خلقی جمهوری اسلامی همیشه با دروغ و وعده و وعید، توده ها را گول زده و به چپاول زحمتکشان پرداخته است. آنان با حرص و ولع به دارائی ناچیز زحمتکشان چنگ انداخته و علاوه بر استعمار آنها در محیط کار مثلاً "تحت شعار" تولید بیشتر" در کارخانه ها، خانه و کاشانه این زحمتکشان را فدای منافع پلیدشان مینمایند.

اینک به بررسی یکی از دزدیها و زورگوئیهای این رژیم مردم فربس میپردازیم، در سال ۱۳۵۸ بر اثر بارندگی شدیدی در لاهیجان و حومه، خسارات زیادی بخانه عده زیادی از زحمتکشان، بخصوص اهالی یوسف آباد وارد آمد که بعضی خانه خود را سبکی از دست دادند. با کمک و همیاری مردم و نیروهای انقلابی اهالی توانستند بسیاری از لوازم خود را بیرون آورده و سپس در دانشسرای مقدماتی لاهیجان مستقر شوند. پس از مدتی بلا تکلیفی و وعده و وعید از جانب "مسئولان" به کمک نیروهای انقلابی و مردم، هر دستگاه ساختمان خالی مصادره شد و آنهائی که خانه خود را از دست داده بودند در آن اسکان داده شدند.

پس از مدتی چندی از مقامات دولتی از جمله شهرداری، فرمانداری و جهاد سازندگی بقتصد کردن سیل - بند برای روستایان نجات دادند. اما پس از تخمین مخارج آن که تقریباً بالغ بر ۲ میلیون تومان بوده تصمیم گرفتند که بجز خانوار حدود ۴ - ۵ هزار تومان بدهند تا آنها خانه شان را تعمیر کنند. اما آن عده ای که هزینه تعمیر خانه شان بیش از مبلغ مذکور بود، مخالفت کردند و رژیم اعلام نمود که برای شان خانه خواهد ساخت، حتی این کار شروع شد. لذا پس از اتمام هر خانه ای را بقیمت ۲۵ هزار تومان فروختند. نه تنها سر اجاعات مکرر زحمتکشان به فرمانداری، شهرداری، جهاد سازندگی و حتی حاکم شرع گیلان (قربانسی) مؤثر واقع نشد، بلکه پس از چند روزی در مورد تخلیه ساختمان مصادره شده که در آن می نشستند نیز برای آنان اخطاریه فرستادند.

بقیه از صفحه ۱۲

اینکه بگور افسر مزبور همراهان به اتفاق رئیس کلانتری یعنی همان وحید دستگردی آمد و ناگهان با اسلحه خوددهم از جمله خود و سخاون کلانتری را کشت. ولی وحید دستگردی، رئیس شهرستانی جمهوری اسلامی که عامل اصلی این فاجعه بود، خود را به ریزش گنبد و جان سالم بدر برد.

اصفهان - (۵۹/۱۲/۲۰)

در تاریخ ۵۹/۱۲/۹ هنگامی که کارگران مشغول کار بودند، مورد حمله اوباشان کارفرما قرار گرفتند. طی این درگیری ۳ تن از زخمی‌گشتگان زخمی شدند و بیست و یک نفر بیمارستان آمل انتقال یافتند. در پی این جریان کسب‌وکارگران با لباس‌های کار به اداره کار و امور اجتماعی، مراجعه کردند که پاسخی به خواسته‌های آنان داده نشد. سپس اخبار را "بفرمانداری و از آنجا به ژاندارمری رفته و از کارفرما و نماینده کذافی شکایت کردند. در همین اثناء کارفرما سیزده نفر از حضور بافتن و از کارگران بخاطر: تعطیل کار، پانزدهمین آوردهن سطح تولید در زمان جنگ شکایت کرد.

یکی از کارگران می‌گفت: "در زمان شاه بدبخت بودیم و در این زمان که ملاحظه وضع را بدتر کردند و هی دم از مستضعف می‌زنند، ما که مستضعف بودیم و حالا مستضعف‌تر شده‌ایم. و یادگیری می‌گفت ۲ سال از این "انقلاب" بیگذرد و وارد سومین سال این "انقلاب" میشویم ولی تا الان برای ما کارگران هیچ کاری نکرده‌اند و از طرف دولت به ما فشار می‌آورند که باید تولید را بالا ببریم چون زمان جنگ است و مملکت ما مملکت اسلامی است، هر روز کار برای این سرمایه‌داران.

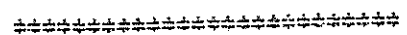
آری، کارگران مبارز میهنمان خیلی خوب هستند و بوجی شارت تولید بیشتری برده‌اند. بگذار حاکمیت ضد خلقی در شیپورهای تبلیغاتی اش نعره زند و خائنی چون "اکثریت" نیز او را در این راه یاری کنند. اما مبارزه طبقه‌ای آنچنان حاد و شدید است که به هیچ مزدوری احاز پوشانیدن چهره واقعی خویش رانمی‌دهد. دیروز نیست روزی که چهره این مزدوران امپریالیسم برای تمامی خلق افشاء گردید و به حیات تنگین شان بسرای همیشه خاتمه داده شود.



در خبرنامه ۵۴ اعلامیه‌ای از هواداران حزبکمیای فدائشی خلق ایران - ترکمن صحرا درج گردیده بود که در سطر هفتم بجای اوائل سال ۵۷ اشتباهاً اوائل سال ۵۲ تایپ شده بود که با بن وسیله تصحیح میگردد.

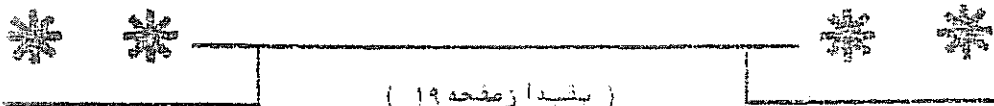
هفته پیش کارگران کارخانه بارش، بعنوان اعتراض به ندادن پاداش آخر سال دست به تجمع زدند و در مقابل بهانه رژیم که جنگ است، جواب دادند که جنگ چرا فقط برای زخمی‌گشتگان کمبوده دنبال دارد نه برای سرمایه‌داران. مگر دیواری از دیوار ما کوتاه‌تر پیدا نکردند و شورای اسلامی کارخانه ضمن تهدید آنها به اخراج گفت: "بجای شما هزاران دیپلمه بیکار که با نصف حقوق شما کار می‌کنند، می‌آوریم کارگران بعلت عدم تشکیل و برخورد با مسئله بیکاری یا آخره غیرمسم می‌لشان به سرکار برگشتند.

و این مسئله بیانگر ما هیت این سیستم وابسته به امپریالیسم است که برای حفظ منافع اربابان نشان دست به تهدید و اخراج کارگران می‌زنند و مسئله اخراج را چون شمشیر داموکلن همیشه بر سر کارگران قرار می‌دهند. اما غافل از آنکه جنبش حرکتی نه تنها فقط چهره ضد خلقی رژیم را بیشتر عریان می‌سازد، بلکه عزم توده‌ها را برای ریشخ کن ساختن هر رژیم وابسته به امپریالیسم و نابودی دشمن طبقاتی بی‌منظور ایجاد معادای نو - بین و آزاد، را سخ تر خواهد نمود.



آمل: (کوره یزخانه لیتگر) در مورخه ۵۹/۱۲/۸

بین نماینده کارگران و کارفرما بر سر تاء مین حد اقل خواسته‌های کارگران بر خورد های لفظی بوجود آمد، کارگرانی که از موضوع با خبر شده بودند بدیده پشتیبانی از نماینده خودشان برخاستند. که کارفرما همه آنها را تهدید به اخراج کرد و اظهار داشت که این نماینده بدلیل کمونیت بودن مورد قبول من نیست. طی این جریان یک نماینده فرمایشی از طرف اتحادیه کارگران فرستاده شد که خیلی زود ما همیشه بر کارگران افشاء گردید.



(بشماره صفحه ۱۹)

اندازی کردند که یک نفر زخمی شد و تعدادی هم دستگیر شدند. راهیما با ن سپس بر اکنده شده و در کوره‌های شیر شروع به دادن شعا کردند. شخص زخمی بد اورژانس برده شد که توسط یکی از هواداران جریان منقطع کار (اکثریت) شناسایی و به تنگینان اورژانس معرفی شد که مزدوران فرامذکور را دستگیر و بزنند ان شیرا نر منتقل کردند. در ضمن در این روز در تمام مدارس شهر مراسمی برای یادبود این دانش آموزان برگزار گردید.

شهیدی رگه گلان قسم به خونن سورت ریگات در زده‌هسته (رفیق نادر قهرمان، شهید راه آزادی خلقها، قسم بخون سرخت راهت را ادا به سدهم) - مرگ سر حاش - مرگ بر خود فروختگان و مزدوران - بعد از ۵ دقیقه با ساداران مزدور با یک بیگان سبز رنگ به صف راهیما با ن حمل کردند که در نش آموزان با سنگ به مقابل با آنها برداخته و شیشه‌های عاتین را خرد کردند، با بداران به سوی جمعیت شروع به تیر-

سمنان

یک آواره جنگ خود را آتش زد

یکی از آوارگان جنگ غیرعادلانه کنونی سنام "محمد" که از وضع بدزیندگی به تنگ آمده بود، در محل دانشسرای سمنان با ریختن یک حلب نفت بروی خود و کشیدن کبریت خود را آتش زد.

خبر کوتاه، ولی تکاندهنده است. اما یک تصادف نیست. این نتیجه تمام مظالم حکومت جمهوری اسلامی است. محمد یک آواره بود. یکی از مردم زحمتکش خوزستان که از زیر باران موشکها و خمپاره های رژیم مزدور بعث عراق جان سالم بدربرد و در جستجوی جان پناهی خوزستان را ترک کرد. اما رژیم مزدور جمهوری اسلامی که خود در این جنگ مجری سیاستهای امپریالیستی است و در آواره کردن این مردم زحمتکش نقش داشته است با وجود آوردن وضع سخت محشیتی و با برقراری مقررات فاشیستی و گماردن جاسوس در بین آوارگان و سرکوب خونین هرا اعتراض آنها به استقبال محدود و محدها می رود.

محمد، قربانی زورگوشیها و اعمال سیرمانه رژیم در مورد آوارگان جنگ است. او جان بربل آموده اش را به آتش سپرد تا اگر فریاد اعتراض او بر علیه عمال سرسپرده امپریالیسم بگوش هم وطنانش نصیرسد، شطسه های آتش بدن سوخته او بیا سگر خشم و نفرت محمد، بعنوان آواره جنگ باشد. راهی که محمد انتخاب کرد، البته راهی نیست که باید به آن صده گذاشت، ولی این عمل ماهیت رژیم را افشاء میکند که به اسم آواره جنگ بیگناهی و جبارول مردم می بردازد، از حقوق کارگران و کارمندان میکند و حتی از پول قلک پسر بچه ۸ ساله و تخم مرغ بیرون میکند، رژیم را رسوا میکند که از کمکهای مردم به آوارگان جنگ میدزدد و آنرا برای تبلیغات ارتجاعی خویش از جمله تبلیغات علیه خود آوارگان جنگ بکار میبرد.

وضع آوارگان جنگ در فسا

حدود ۴۰۰۰ نفر از آوارگان جنگ غیرعادلانه در اردوگاه های نزدیک به فلکه شیرازی اسکان داده شده اند. بیشتر آنها آوارگان حرمشهری و سوسنگردی هستند. اردوگاه که به وسیله ماء مورین ژاندارمری، شهرستانی و سپاه پاسداران کنترل میشود به وسیله یک سیم خاردار، محاصره شده تا امکان هرگونه تماس مردم فسا را با آوارگان جنگ از بین ببرد. در ابتدای اردوگاه چادری قرار گرفته که متعلق به خواران پاسدار و بسیجی است که به وظیفه مکتبی جاسوسی و شناسائی افراد مساز اردوگاه مشغولند. اما اقدامات این مزدوران در جهت دستگیری مردمی که برای کمک به آوارگان وارد اردوگاه میشوند، تاکنون بر اثر هوشیاری و اعتراض جنگ زدگان بی نتیجه مانده است. وضع آوارگان این اردوگاه مشابه وضع سایر آوارگان است. به هر خانوادگی یک چادر، ۴ پتو، یک چراغ خوراکی و مقداری مواد غذایی (بمورت خشک) میدهد که کفاف احتیاجات خانواده های جنگ زده را نمیدهد. اردوگاه فاقد برق، حمام و کمترین امکانات بهداشتی است. استفاده از آب بدلیل کمبود لوله های آب به دشواری انجام میگردد و روزی نیست که بر سر آب میان جنگ زدگان درگیری نشود. کمبود لباس از جمله مشکلاتی است که آوارگان با آن دست بگریبانند. بخصوص که اردوگاه در نا حیسه سردی از شهر قرار گرفته و این در حالی است که دانه های بسیار در اردوگاه از لباسهایی که مردم برای کمک داده اند، پسر است. اما مسئولین اردوگاه در جواب جنگ زدگان میکوبند هر وقت این لباسها بستان باره سلباس نمیدهند. بیم، پای صحت هر آواره که بنشیند از کمبودها و احفاتی که سر آنها میشود، سخن میگویند و اشاره میکنند که چگونه رژیم جنگ افروز جمهوری اسلامی زحمتکشانی را که میخواهند در دفاع از خانه و کاشانه شان در مقابل مزدوران عراقی بجنگند، خلع سلاح کرد.

مرد جنگ زده ای از اهالی سوسنگرد گفت: "دوروز بعد از شروع جنگ خودمان رستم پادگان شهرو به زور اسلحه گرفتیم و در مقابل ارتش مزدور عراق ایستادگی کردیم و توانستیم آنها را عقب برانیم. اما بعد از چند روز ارتش و سپاه شروع به خلع سلاح ما کردند. آری! سردساران جمهوری اسلامی خوب میدانند که اسلحه زحمتکشان سینه همه مزدوران وهمه سرسپردگان بد امپریالیسم را نشانه خواهد گرفت.

مرکز برامپریالیسم و سگهای زنجیریش

شیراز (۱۳۵۹/۱۲/۱۰) - در حالیکه پس از ۲ ماه از زندانی شدن ۵ نفر از نمایندگان و کارکنان جنگ زده صنعت نفت آبادان و خونین شیر میگذرد، مذاکرات شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت آبادان و خونین شیر با مسئولان وزارت نفت بی نتیجه ماند و یکی دیگر از نمایندگان تورا (نماینده کارگران زیر پوشش در ماهشهر) نیز دستگیر و زندانی شد.

شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت آبادان و خونین شیر، بیرامون مذاکراتی که بسرای آزادی دستگیرشدگان انجام شده اطلاعیدای منتشر کرد که در آن اشاره شده چگونه با زیبای درون وزارت نفت مانع آزادی زندانیان شده و هر یک از دوستان (مانند حاجی برحوردار و باندا نحمدن اسلامی) میکوشند تا کارکنان جنگ زده و زندانیان را وسیله ای برای پیشبرد مفاصلها و طلبا شدن و کسب وجهه در نزد کارگران قسرا دهند.

قضیه یا بین ترتیب است که هر یک از باندها برای جلب توجه کارگران سعی در آزاد کردن زندانیان می نمایند، ولی اعمال یک باند توسط باند دیگر خنثی میشود.

در قسمتی از این اطلاعیه آمده است: "..... در راه آزادی نمایندگان کارکنان جنگ زده سنگ اندازی میشود و نمایندگان جنگ زندگان باید بخاطر بسازی و نمودن سیریدست آوردن دست وزارت نفت در زندان باقی بمانند تا در موقعیت مناسب هر کدام از این دو باند بتوانند برای پیشبرد مفاصل خود از وجود آنها استفاده نمایند. یکما پس از اینکه انحمدن اسلامی پالایشگاه شیراز ما را آمریکا شای خطاب کرده بود، دوباره ظاهرها " بحمایت از ما بر میخیزد. آیا این حمایتها، ظاهری و مصلحتی و سوء استخفا نه از مسئله جنگ زندگان نمیباشد؟ هم اکنون غروی معارف سرپرست امور اداری وزارت نفت ماء مور رسیدگی به وضع زندانیان شده است. او همان شخصی است که دو ماه قبل در جریان دستگیری نمایندگان دست داشته و آنها پس از بیرون آمدن از اتاق جناب غروی دستگیر شده اند.

مردم مبارز رضا ایشیور علیه سپاه پاسداران دست به راهپیمایی زنند

در پی تلاش مذبحان رژیم جمهوری اسلامی برای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم، پاسداران ایمن رژیم فدائلی گاه و بیگاه به بیانه ای به خلق یورش می آورند. در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۱، پاسداران جوکا، رضوانشیرا صحنه درگیری بین خلق و ضد خلق ساختند و بسبب دستگیری یکی از هواداران سازمان معاهدین خلق که مشغول فروش شریه بود، سعی در تحقق اهداف پلیس خود نمودند.

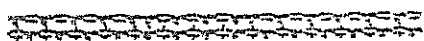
پس از دستگیری فرد مزبور، عده ای دیگر از پاسداران جهت دستگیری تعدادی دیگر از نیروهای مبارز در محل ماندند. ولی در این حین ماشین پاسداران تصادف کرده و سه آنها وحشت زده و در حالیکه تیراندازی می نمودند، به بیرون ریختند و سعی کردند تا تیراندازی خود مردم را برآکنده نمایند ولی مردم که از وحشیگری پاسداران بخشم آمده بودند، آنها را شوکرند و جلوی ماشین یکی از خوندها با سم قریشی را گرفتند و حذره نیم ساعت با دادن شکارهای مرگ برپا سدار، مرگ بر ارتجاع. راه او را سد نمودند.

در این هنگام رفقای هوادار جریکهای فدائی خلق، جهت تداوم بخشیدن به اعتراضات مردم، اعلام راهپیمایی بطرف بخشداری کردند و با شعارهای: " مرگ بر پاسدار - مرگ بر آمریکا، انقلاب - انقلاب همیشه پیروز باد، آمریکا - آمریکا - یکسره نابود باد، کردستان - کردستان سنگرزادگان، زندانی سیاسی آزاد باد گردد، راهپیمایی بردارند. متأسفانه در حین راهپیمایی عده ای از هواداران سازمان معاهدین سعی در تشویر شعارها داشتند و معتقد بودند شعارهای مرگ بر پاسدار و با کردستان سنگرزادگان چپ رو - انداست و نباید داده شود. همچنین آنها معتقد بودند شعار " زندانی سیاسی آزاد باد گردد" بسیار " مجاهد زندانی آزاد باد گردد" داده شود. ولی استقبال مردم از شعارهای رفقای هوادار جریکهای فدائی خلق برخوردار نشد و آنها را خنثی کرد.

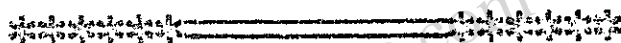
راهپیمایی ۲ ساعت بطول انجامید و در انشای رژیم و با همت سخندار رضوانشیرا بسیار مؤثر افتاد.

پروچرود - در تاریخ ۲۳/۱۲/۵۹، هاشمی رفسنجانی وارد پروجرد شد تا برای مردم سازبان شهر سخنرانی کند. با وجود تسلیفات زیادی که پیرا - موم سخنرانی رفسنجانی شده بود، جمعیتی حدود ۲۵۰۰ نفر در استادیوم شهر جمع شدند که بیشتر حالت تماشاچی را داشتند و تنها عده کمی از آنها که از افراد بسیج و انجمنهای اسلامی و سازبان بودند شعار میدادند. در ابتدای سخنرانی گروه زیادی از شر - کت کشندگان علیصدرفسنجانی هوکشیدهند و استادیوم خارج شدند. سخنرانی رفسنجانی مانند همیشه با تهمت و افتراء علیه نیروهای انقلابی شروع شد. او در ادامه، تعجب خود را از "استقبال" مردم سر - وچرود ابراز کرد، در حالی که بخوبی میدانست تماشا - چپانش همان جیره خواران بسیجی و پاسداران مکتبی شان هستند و مردم بیبنگام سخنرانی او در صفهای طویل نفت رقتند و شکر علیه رژیم ناسازی - گویند. پس از سخنرانی گروهی از حزب الهی مسا شنا رگویان در خیابانها برافشا شدند. اما مردمی که ماهیت این خود فروختگان برایشان افشا شده با

شمارهائی علیه رفسنجانی و بیپشتی کینه خا ن را نسبت به حاکمین وقت آشکار ساختند.



لاهیجان - بدنبال درگیری های اخیر حساده تحت کنترل مزدوران حکومتی قرار گرفته و در چندین نقطه بین لاهیجان - رشت، ماشین ها را بازرسی میکنند. در همین رابطه پاسداران مزدور هر روز بخانه های مردم یورش برده و پس از دستگیری افراد آنان را به نقاط نامعلومی می برنند. طی این یورش ها به خانه دو تن از هواداران جریک های فدائی خلق ایران نیز ریختند. ولی موفق به دستگیری آنان نشدند. بجز تعدادی کتاب و نشریه که با خود بردند. در ضمن اسامی ۲۲ تن را به عنوان بنیان اصلی جریانات لاهیجان منتشر کرده اند که تحت تعقیب قرار دارند و دستگیری و بی گرد، هر روز ادامه دارد.



خبر و گزارش از سازگان و سوزناج

۱- مبارزات پرسنل انقلابی ارتش که هر روز از اعتلائی نوین برخوردار میشود، رژیم فدا خلقی را از یاد کرد تا دستگای جاسوسی و تفتیش عقاید ارتش شاهنشاهی را تغییر نام داده و آن برای حکومت سنگین خسود استفاده کند. دایره سیاسی - ایدئولوژی ارتش که همان اداره ضداطلاعات سابق است، همان دستگای است که در صدد شناسائی و تعقیب افراد انقلابی درون ارتش است.

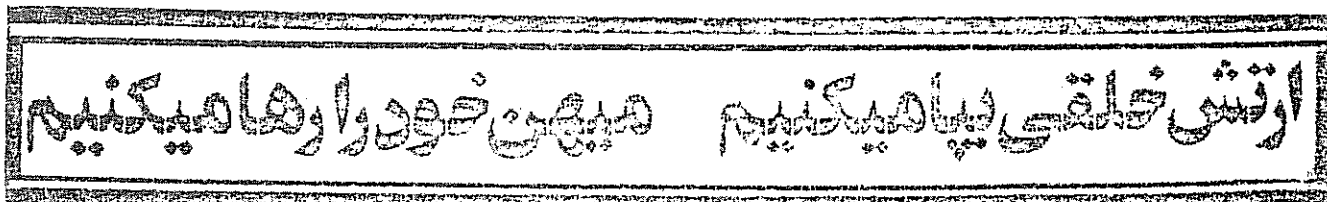
دربان دگان سندهج نیز تعدادی از سربازان فالانزا طرف این اداره ماء مورشناسائی سربازان و پرسنل انقلابی شده اند و تا کنون تعداد زیادی از پرسنل انقلابی در رابطه با این موضوع تبعید، اخراج و بازداشت شده اند.

۲- آنجا بهین اکتفا نکرده و بر طبق بخشنامه ای بد کلیه نیروهای نظامی مستقر در جاده ها و یابگا هها توصیه کرده اند که از عنا صروا بسته محلی و روستا ثیان برای کسب خبر و جاسوسی بر علیه نیروهای سیاسی استفاده کنند. ۳- کمبود نیرو در ارتش بقدری است که آنها مجبور شده اند سربازانی را که خدمت ۲ ساله شان به پایان میرسد، منقضی نکرده و حتی فرمانده لشکر آنان را تهدید به خدمت اضافی تا ۳ سال کرده است.

در این میان سربازان منقضی خدمت ۶۶ هم کد قرار بود بمدت ۱۵۰ روز خدمت نمایند مدت خدمتشان را تا ۶ ماه افزایش داده اند.

۴- در مراسم سخنرانی ۲۱ بهمن که در سالن حسینیه یادگان برگزار شده بود، بین فرمانده لشکر و سربازان منقضی خدمت برخورد های لفظی روی داد که طی آن فرمانده لشکر، امکان هرگونه اعتراض را از سربازان طلب نموده و با فحش و توهین سربازان را اعتراضات آنان را در گلو خفه کرد. و این مسئله باعث بروز نا رضائی فراوان در میان سربازان شده است.

در چنین وضعیتی فرمانده لشکر در مراسم صحگای و در سخنرانی ها مرتباً " ادعا میکند که قصد دارد شمال عراق را بنام خود بتمصرف در آورد. در حالیکه در شروع عملیات نیروهای عراقی توانستند تا نزدیک سی دریاچه مریوان پیشروی نمایند.



شهباز زندان عادل آباد

- از روز جمعه ۱۳۶۰/۱/۷، گروهی از زندانیان سیاسی زندان عادل آباد بمدت یک هفته دست به اعتصاب غذا زدند که خواستهای اعتصاب کنندگان عبارت است از:
- ۱- دادن ملاقات حضوری بمدت حداقل ۳۰ دقیقه.
 - ۲- در دستری قرار دادن روزنامه‌های قانونی، کتابهای مورد نیاز زندانیان و رادیو و.....
 - ۳- با توجه به کمبود نور و رطوبت زیاد سلولها، دادن هواخوری روزی ۲ نوبت و هر نوبت ۳ ساعت.
 - ۴- فراهم نمودن امکانات داروئی و پزشکی.
 - ۵- تعمیر لامپهای سوخته و شیشه‌های شکسته.
 - ۶- استفاده از فروشگاه برای تهیه ما یحتاج زندانیان.
 - ۷- داشتن حق انتقال به شهرهای دیگر.
- لازم به تذکر است که زندانیان هوادار ما همدین خلق از شرکت در اعتصاب اخیر خودداری کردند.



آیت الله! مرعشی نجفی با پول خلق بدنیا ل متخصترین چشم پزشکی دنیا ست

هدف بنیاد مستضعفان از سرمایه گذاری در سینما چیست؟

در شرایطی که میلیونها نفر از مردم زحمتکش میهنمان در اقصی نقاط ایران از کمبود پزشک، دارو و عدم بهداشت با انواع بیماریها روبرو هستند، در شرایطی که زندگی بیش از یک میلیون نفر از مردم آواره میهنمان بسیار غیر بهداشتی است و بیماریهای مازندوبیا و مالاریا آنها را تهدید میکند در شرایطی که فقط در شادگان ۳۰ کودک بخاطر نبود بهداشت و امکانات پزشکی بر اثر ابتلا به شیشه ویا از بین رفته اند.

"بنیاد مستضعفان" که بحق از طرف توده های بنیاد مستکبران " نام گرفته، یکی از ارگانهای حکومت فدا خلقی جمهوری اسلامی است که بنا بر ما هیت این رژیم وابسته در جهت گسترش روابط امپریالیستی قدم بر میدارد. روزنامه کسپان ۸ فروردین ۱۳۶۰ ماهنامه ای با سید حسین فرهنگ رئیس این بنیاد انجام داده که این جناب خیر از سرما به گذاری ۶ میلیون تومانی این بنیاد در سینما ها میدهد.

مرعشی نجفی جهت معالجه چشم با پول این مردم زحمتکش که تحت عنوان " سهم امام " و " خمس و زکات " از آنها گرفتند مسخود به اسپانیا می رود. چرا که بگفته او (کیهان شنیده ۸ فروردین ۱۳۶۰ - شماره ۱۱۲۴۵ - ماهنامه مرعشی نجفی) " متخصص ترین چشم پزشکی دنیا در اسپانیا ساکن است " .

حال با دید رسید که چگونه در شرایطی که کارگران بخاطر خواست پاداش شب میدبه گلوله بسته میشوند، در شرایطی که میلیونها نفر از مردم زحمتکش میهنمان در فقر و فلاکت و بیکاری ناشی از سلطه امپریالیسم بسر میبرند و در شرایطی که ۲ میلیون نفر آواره جنگی با کمترین امکانات رفاهی آواره شهرها هستند، ۶ میلیون تومان به سرما به گذاری در سینما ها اختصاص داده می شود، بخوبی آشکار است که هدف از این سرما به گذاری تر - و بیج فرهنگ انقلابی نیست، بلکه هدف، بکارگرفتن سینما ها بعنوان وسیله ای برای گسترش تبلیغات مسموم حکومت است، همانطور که میلیونها تومان به رهبران مذهبی داده شد تا صرف تبلیغ در جهت حقانیت حکومت وابسته به امپریالیسم کنند.

دورود - (۵۹/۱۲/۱۲) یکی از مأمورین کمیته قصد داشت مردسیگار فروشی را بجرم داشتن سیگار قاچاق جلب کند که بر اثر سروصدای سیگار فروش مردم هنگامی که قضیه را فهمیدند، شروع به اعتراض کردند. سیگار فروش که آواره جنگ بود، با عصبانیت میگفت این سیگار تنها دارائی من است. چرا با لائی ها رانی گیرید ولی من بیگارا که از این راه زندگی خانواده ام را می گذرانم، اذیت میکنید. در همین حین ماء مورین شهر بانی رسیده و پس از اطلاع از جریان به سیگار فروش گفتند سوا بیلت را جمع کن به شهر بانی برویم. مردم ابتدا مانع شدند و میگفتند که چرا زورتان فقط بجا بیچاره های امیر سدولی علمبرغم کوش مردم پاء مورین او را به همراه خود بردند و چشمهای پر کینه بسیاری را به همراه خود کشاندند.

سرهنگ وحید دستگردی رئیس شهر بانی جمهوری اسلامی را به پشیمان سیم.

وحید دستگردی دوسال قبل رئیس کلانشهری ۶ شهر - ان (میدان خراسان) بود. وی همواره میکوشید از پست ریاست خود برای کسب امتیازات بیشتر نصیب شود. سا بر افسران استفاد ه کند. در یک مورد او برای در اختیار گرفتن زنی که با مطلق محشوقه یکی از افسران زیر دستش بنام قراگزلو بود، مزاحمت هائی ایجاد کرد. تا بقیه در صفحه

گوشه‌ای دیگر از باصطلاح پیروزی بزرگی!!!

دفتر "هماهنگی و اجرای بیانیه الجزایر" طی اطلاعهای خواستار سرگرداندن اموال آمریکائی ها شد که در حقیقت گوشه‌ای دیگر از عملکرد رژیم رادرجهت منافع امپریالیسم بخوبی نشان داد.

رژیم مزدور جمهوری اسلامی در این اطلاعیه به سازمانها و مردمه اخطار میکند که اگر اموال دولت آمریکا (اموال همان شیطان بزرگ !!! که به قیمت غارت نموده‌های نحت ستم میهنمان تهیه شده و توده‌ها در جریان بیان قیام آن را مصادره نموده بودند) و اموال اتباع آمریکائی (منظور اموال همان مزدورانی است که به نام مستشاران ینگه سرسپردگی ایران بودند و از دستریج توده‌های زحمتکش زنگی آسوده‌ای داشتند و " حسن توخس " میگرفتند) را هر چه زودتر ندهید مستوجب بازخواست خواهد شد . ضمناً " ملتصمانه میگوید که برگره‌اندن این اموال در رابطه با " حقوق حقه ملت ایران " است .

توده‌ها با خود میگویند این چگونه " پیروزی بزرگ " است که دولت با وجود فقر و فلاکتی که گریبانگیر توده‌هاست سزا و تمندانه میلیاردها دلار بعنوان وامیانی که بعداً " با بد پرداخت میشد پرداخت کرد و حتی پرداخت وامیانی شخصی شاه منفور را بعهده گرفت . اما آمریکا حتی از اموال اشخاص خود هم گذشت نمیکند؟!!

توده‌ها با خود میگویند که اصولاً " آمریکا چه چیزی را به ما میخواهد بدهد که عدم استرداد این اموال موجب بخطر افتادن " حقوق حقه ملت ایران " میشود؟..... شاید! برقراری روابط علنی دوباره ایران و آمریکا و گتر - فتن اسلحه و قطعات یدکی ایران از آمریکا بطور علنی ، کاری که در خفا همواره انجام داده و امروز در پی انجام رسمی و علنی آن هستند .

جمهوری اسلامی - یکشنبه ۹ فروردین ۱۳۶۰
شماره ۵۲۳

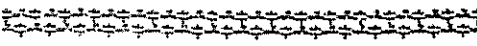
اطلاعیه دفتر هماهنگی و اجرای بیانیه الجزایر

تیوران- خیرگزاری پارس-
دفتر هماهنگی و اجرای بیانیه الجزایر ضمن صدور اطلاعیه‌ای از کلیه سازمانها یا افرادی که اموالی از دولت یا اتباع آمریکائی در اختیار دارند خواست که مراتب را به این دفتر واقع در نخست وزیری گزارش دهند. متن کامل اطلاعیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم
اطلاعیه

بدینوسیله از کلیه سازمانهای دولتی و غیر دولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی که اموالی از دولت و اتباع آمریکا را اعم از منقول یا غیر منقول در اختیار دارند تقاضا میشود حداکثر ظرف ۱۰ روز از این تاریخ مراتب را با ذکر مشخصات کامل به دفتر هماهنگی و اجرای بیانیه الجزایر مستقر در نخست وزیری گزارش دهند. از کلیه مؤسسات و اشخاص ذیر ببط انتظاری دارد نهایت سرعت و دقت را در انجام این امر که ارتباط مستقیم با استرداد حقوق حقه ملت ایران دارد به عمل آورند بدینوسیله است کوتاهی در اقدام مسئولیت آورنده و مستوجب سزاخواست خواهد بود.

دفتر هماهنگی و اجرای بیانیه الجزایر - ۶۰/۱/۱۸



سپاه پاسداران در کوفه‌ها

دورود - (۵۹/۱۲/۱۰) - "کارهای مکتبی " سپاه پاسداران به چنان حدتی رسیده است که در ذهن مسردم درود، سپاه تداعی مرکز فساد است زیرا :

- چندی پیش اعمال شرم آور " شهبازی " فرمانده سپاه پاسداران با یکی از دختران بسیجی بنام "حسینی" توسط مردم افشا و او مجبور بر فرار شد و او را به اصفهان منتقل کردند .
- فرمانده بعدی " نوربخش " نیز پس از بر ملا شدن " همکاری بسپاه رشزدیکش با قاچاقچیان دروشه مردم به اصفهان انتقال داده شد .
- حال معاون فرماندهی سپاه و یکی از بازجویان بنام " فروتن " در یک خانه حین اعمال نامشروع با یک فرد اهرسیجی بنام " توران الدوائی " که دانش آموز دبیرستان بوده و هنوز با وجود اعتراض سایر دانش آموزان سدرسه می - آید و بکارهای " مکتبی " اش ادامه میدهد " توسط مردم دستگیر شده و پس از خلع سلاح تحویل شهربانی نیز برای جلوگیری از خشم مردم آنها را به داستان درود ارجاع داده و در آنجا رسیدگی میکنند که در آنجا آمده که بنام " برادر فروتن " کاری کرد و راتحوویل دادستانی بر وجود میدهد که البته آنجا پس از محاکمه کوتاه به برادر فروتن تشریفه و بجای او یکی از " شهود " تحویل " زندان " مشود که آن ضرب المثل آهنگر بلخی را بسا دما می آورد و البته برای توجیه این حکم طی اطلاعیه این واقعه شایعه عوامل شرقی و غرب محسوب میشود . البته نمونه های فوق نمونه ندای اندک از " شاهکار " های این " برادران مکتبی آسمانی " است !!!.....

رژیم و استبداد جمهوری اسلامی
 - می کدرویای "ذبات امنیت"
 رژیم شاه خائن را در سر می برود -
 راندا ز هیچ تلاشی در جهت تحقق
 این خواب و خیال خودداری نمی
 - کند . در حالیکه جنبش توده ای
 رو به گسترش است و مردم فریاد
 اعتراضشان را علیه رژیم در هر
 کوی و برزن سر میدهند ، سردمدار -
 ران رژیم در پی شناسائی عناصر
 مبارز دستورات عمل و بخشنامه
 صادر میکنند .
 آنها بخوبی میدانند که در
 شرایط اعتدالی جنبش توده ای
 حاسوسی کارچندانی از پیشش
 نمیسرد . با اینحال آنها به امید
 سرکوب جنبش توده ها در برقراری
 چنان شرایط اختناق که بتوانند
 در کمال " امنیت " مبارزین را
 شکار کنند ، از هم اکنون دست
 به شناسائی افراد میزنند . ولی
 زهی خیال باطل ، جنبش توفنده
 خلق آنها را در رسیدن به مقاصد
 پلیدشان ناکام خواهد ساخت .
 بخشنامه روبرو ، نمونه ای
 از این دست است . واحد سیاسی
 ایدئولوژیک سازمان صنایع ملی
 (بخوان واحداطلاعات) ، طی

سند تعالیسی
 واحد سیاسی ایدئولوژیک سازمان صنایع ملی
 به عرض افراد خدا انقلاب اسلامی
 مشخصات شخص معرفی شده
 نام و نام خانوادگی
 میزان تحصیلات
 سمت
 شماره شناسنامه
 رشته تحصیلی
 سابق کار
 صاهر
 سابق کار

۱- دل سرد کردن افراد نسبت به کار آینده انقلاب
 ۲- در خواست خواسته های نامعقول
 ۳- تحریک افراد داخل کارخانه و شماره پراکنش
 ۴- دادن شماره های دهن برکن
 ۵- انتقاد های بی جا
 ۶- عدم صداقت
 ۷- وابستگی به شرق غرب
 ۸- وابستگی به گروه های ضد انقلاب

ملاحظات
 مشخصات معرف
 انجمن اسلامی کارخانه
 شورای اسلامی
 احوال ، نام و نام خانوادگی
 ۱-
 ۲-
 ۳-

نظریه سازمان صنایع ملی راجع به معرفی

تاریخ تشکیل

این بخشنامه بطور محرمانه از همه واحدهای صنعتی خواسته است تا افراد خدا انقلاب اسلامی را معرفی کنند .

=====

تصحیح خبر:
 در خبرنامه ۵۲ ، خبری درباره محکومیت تعدادی از زندانیان سیاسی پیشتر
 چاپ شده بود که اشتباهات جندی داشت . اول آنکه تعداد زندانیان با جمعی کسه در
 پایان زده شده بود ، نمیخواست که بدلیل اشتباه تاییبی بود ، ثانیا " محکومیت بکسی
 از رفقایای ۶ ماه ، ۹ ماه تا سب شده بود .
 ** **
 در خبرنامه شماره ۵۲ ، سندی درباره وارپزشدن کمکهای نقدی مردم به جنگ -
 زدگان به حساب حجت الاسلام امامی کاشانی درج شده بود . در متن خبری جای پاکستان
 هندوستان نوشته شده بود که با این وسیله تصحیح میگردد .

رفقای هوادار چریکهای فدائی خلق، در امفیان در رابطه با آوارگان جنگ اعلامیه‌ای صادر کرده‌اند. قسمتی از این اعلامیه را در اینجا نقل می‌کنیم.

زنده باد تعرضی انقلابی آوارگان!

از آنجا که دیکتاتوری خشن و لجام گسیخته لارمه ستا، سینم سرمایه‌داری وابسته می‌باشد، لاجرم رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی نیز برای آنکه چند صباحی دیگر به زندگی سنگین خودش ادامه دهد، دست به وحشیانه‌ترین شیوه‌های سرکوب می‌زند و هر روز برای اسحاق این هدف به بهانه‌ای متوسل می‌گردد. یک روز به بهانه "مبارزه فدا می‌ریالیستی" و روز دیگر به بهانه "جنگ".

همشهریان و جنگ‌زدگان محروم و مبارزان!

همانطوریکه همه میدانیم این جنگ غیر عادلانه که بین رژیمهای ضد خلقی و وابسته ایران و عراق درجه - بان است، بنا به خواست امپریالیست‌ها و با زدوبندهای رویزیونیستی‌های حاشین شوروی بوجود آمده و تمام درجهت منافع و اهداف آنها و بر ضد منافع توده‌های تحت‌ستم هردو کشور، طرح ویران‌گریزی شده است. یکی از نتایج این جنگ غیر عادلانه، آواره شدن نزدیک به دو میلیون از هموطنان عزیز ما بوده است که هم اکنون در گوشه و کنار مبهنمان در بدترین شرایط زندگی میکنند. و هر آنگاه که لب به اعتراض بگشایند و خواستار حتی ناچیز از حقوق پامال شده‌شان شوند، بدترین شکنجه‌ها را بر سرشان می‌تابانند و آزار و توهین‌ها را بر سرشان می‌تابانند. و در صورتیکه برای اعتراضات خود بیای فشارند، بر حسب کافر و کمونیست و ... را خورده و سر و کارشان به زندان و شکنجه‌های قرون وسطائی حمپوری اسلامی می‌افتد.

بک نمونه از برخورد وحشیانه پاسداران مزدور با جنگ‌زدگان مستقر در دانشگاه صنعتی رابسه آگاهی مردم می‌رسانیم تا بد نهایت ذلت این دژ خیان‌بی‌برند.

در ساعت ۹ شب ۵۹/۱۲/۲۴، عده‌ای از پاسداران مزدور کدچهره کشی‌شان بر جنگ‌زدگان محل آشنا بود، بنا می‌های: "حیدری"، "مانیان"، "عموتاهی" جهت دستگیری یکی از نمایندگان جنگ‌زدگان - بلوک ۴ بنام "رضوان باغبان" به اتاقی کدوی سر می‌برند، هجوم می‌برند. دختر مبارزان خود مقاومت نشان داده و از رفتن بدنبال آنها اجتناب می‌ورزد. پاسداران ابتدای وابستد با زنجیر کتک زده و بسا کمک "خواهران" مزدور جهادیشان بنا می‌های: "نرگس کرمانی" و "سپه‌لا طالب زاده" موفق به برهن وی می‌شوند. مردم جنگ زده ابتدا با اعتراضات انفرادی خود سعی میکنند که جلوی این عمل وقیسه‌چرا بگیرند ولی موفق نمی‌شوند و بعد از اینکه مزدوران نماینده‌شان را با اسارت بردند، خشم انقلابی خود را از طریق شکستن شیشه‌های ساختمان‌ها به نمایش می‌گذارند.

جنگ‌زدگان مبارز و انقلابی!

شما عزیزان ما باید بدانید که اعتراضات خود را در هر شکل وسطی که باشد، بکمک نیروهای انقلابی می‌توانید سازماندهی کنید، و در روند مبارزات خود همواره باید از نیروی جمع و عنصر قهر انقلابی خود جوئید. بنظر ما یک شکل از سازماندهی می‌تواند ایجاد "کمیته هماهنگی مقاومت و اعتراض" باشد که متناسب با شرایط زمانی و مکانی و در نظر گرفتن روحیه مبارزاتی مردم، وظایف متنوعی را بعهده بگیرد. از نظر ما وظایف عام این کمیته بقرار زیر است:

- ۱ - شناخت و بررسی خواسته‌های مبارزاتی جنگ‌زدگان
- ۲ - ارزیابی امکانات و انرژی‌ها و توان مبارزاتی و نیز سنجش روحیه تعرضی مردم
- ۳ - ارائه طرح و برنامه مبارزاتی
- ۴ - فراهم کردن وسائل مورد نیاز مبارزه
- ۵ - دعوت از کلیه مردم (جنگ زده و غیره) جهت شرکت دستجمعی در اعتراض (در این مورد کمیته مذکور می‌تواند با تماس با نیروهای انقلابی از امکانات جایی و تسلیحاتی آنها بهره‌مند گردد).

سازمان به‌سروری رابسه



بدنبال هجوم دهمنشانه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی بدخلق مبارز راسر رفتای هوادار، اعلامیه‌ای پخش کرده‌اند که در زیرملاحظه میکنید.

((باز هم سرکوب))

مردم مبارز راسر :

هجوم ارادل و اوباش وابسته به حاکمیت در پناه سپاه پاسداران به نمایندگانه نیروهای مترقی، بسیار دیگر چهره ضد خلقی آنان را به نمایش گذاشت و پرده از چهره کثیف آنان برداشت. هجوم جماقداران حرفه - ای و سازمان یافته به نیروهای مردمی، نشان دهنده ترس و وحشت حاکمیت کنونی از آگاهی روز افزون توده‌هاست. ماضی محکوم کردن حملات جنایتکارانه جماقداران وابسته به جمهوری اسلامی که متأسفانه منجر به مجروح شدن دوازده نفر از هواداران مجاهدین گشته است، بار دیگر هشدار میدهم این اولیسن و آخرین عمل سنگین رژیم وابسته جمهوری اسلامی نخواهد بود. آنها برای بقاء خویش، راهی بجز سرکوب و کشتار توده‌ها ندارند. اینان سرانجام به سرنواستی دچار خواهند شد که رژیم منفور پهلوی دچار آن گردید. تجربه نشان داده است نیروی توده‌ها برای درهم شکستن امپریالیسم و ایدئولوژی دست نشانده اش باید مسلح شوند. تنها یک خلق مسلح است که میتواند در مقابل تهاجمات وحشیانه رژیم ایستادگی کند و بوزه آنها را بخاک بمالد.

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها!
مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش!
هواداران "چریکهای فدائی خلقی ایران" راسر ۲۰/۱/۵

اخراجی که راهپیمایی کرده بودند، شعار میدادند؛
" معلم مبارز حمایت میکنیم - معلم، محصل پیوند
- ثان مبارک "

روز بعد هم سرکلاس نرفتند و مدیر مدرسه هم با
گفتن دروغ نتوانست دانش آموزان را فریب دهد. حتی
محصلین با شعار " مرگ بر این حکومت فاشیستی، تحم
- تحم جواب ضد خلقی است "، مسئولین را به وحشت
انداختند. چنانچه به بچه‌ها ۱۰ دقیقه وقت داده شد هر چه
زودتر سرکلاس بروند که البته بجز چند نفر از بچه‌های نا -
آگاه و عده‌ای از هواداران " اکثریت "، کسی سرکلاس
نرفت و مدیر مدرسه سپس با گفتن الان پاسداران حمله
میکنند، سعی کرد آنها را بتراسد که با زودی نداشت
که در این موقع دانش آموزان سایر مدارس هم به ایمن
مدرسه آمدند و حتی " اشتری " معاون آموزش و پرورش
هم بمدرسه آمد و با گفتن کلماتی که فقط شایسته خود و
همبالگیهایشان است مثل : شما دختران عوضی لیاقت
آمن بمدرسه و شنیدن حرف حساب را ندارید که
همایونی بیش از این با این مزدور اجاره لجن پراکنسی
نداد و او را هو کردند. مدیر مدرسه ما درهما یونی را به
مدرسه خواست و او هم با گفتن اینکه من بدخترم و سایر
دانش آموزان افتخار میکنم زیرا آنها جرمان فقط
حمایت از آوارگان و زحمتکشان است، مسئولین را نا -
امید کرد چنانکه برای جلوگیری از صحبت، او را بدفتر مدرسه بردند.
سپس از بچه‌ها خواستند تا شبیه صبر کنند تا بمسائلشان رسیدگی
کنند که البته میخواهند زیر قولشان بزنند که در سایه فشار محصلین مجبور
شدند کلاس را دوباره دایر کنند ولی هموز همایونی را بدرد برنگرداندند.

بروجرد (مدرسه راهنمایی سیمین بهبهانی)

۵۹/۱۲/۹

در مدرسه راهنمایی سیمین بهبهانی تعداد -
دی از آوارگان اسکان داده شده‌اند که هر روز بیچانه
- ای تهدید به اخراج می شوند و رفتار و خنیا نه
مسئولین با این آوارگان همیشه مورد اعتراض دانش
آموزان واقع شده است.

سه شنبه ۵۹/۱۲/۱۹، ساعت یک پارسیا،
رئیس آموزش و پرورش، بيمراه پاسداران پس از
هجوم به مدرسه بد آوارگان اخطار کرد که مدرسه
را ترک کنند. آوارگان گفتند که ما سرظهر کجسا
برویم؟! پارسیا میگوید بمن ربطی ندارد ولی
شما هر چه زودتر اسباب‌ها را جمع کرده و از اینجا بروید
یکی از دانش آموزان کلاس دوم راهنمایی
بنام " همایونی " ضمن حمایت از آوارگان گفت :
" مگر بچه‌های آنها با ما فرق میکنند. ما تا وقتی
که آنها یک مسکن مناسب نداشته باشند نمی خواهیم
اینجا درس بخوانیم و بچه‌های دیگر هم به حمایت
از صحبت همایونی شروع به اعتراض کردند که پارسیا
دستور اخراج همایونی و انحلال کلاس را داد. در
نتیجه کلاسهای دیگر به نشانه حمایت از این دانش -
آموزان و با شعار مرگ بر ارتجاع، همایونی حمایت
میکنیم، تحم کردند. روز بعد مسئولین مدرسه
با تحریک خانواده‌ها، سعی بر شکستن تحم نمودند
ولی نه تنها موفق نشدند، بلکه دانش آموزان پس
از تعطیلی مدرسه تا میدان بروجردی تظاهرات کرد
دند و علاوه بر شعارهای فوق در حمایت از معلمین

بروجرد - (مدرسه راهنمایی احمدکزاری)

دانش آموزان مبارز برای اعتراض بدورگوشی های رژیم به تمامی سوالات امتحانی پاسخ منفی دادند.

هما نظر که مینا نیدمدارس لرستان بصدت ۴ ماه بعلت پاکسازی و تصفیه معلمین و دانش آموزان انقلابی بسته بودند تا اینکه در اول بهمن ماه مدارس باز شد در برنا مه درسی فشرده ای که برای دانش آموزان تهیه شده شرکت در نماز و وحدت نیز گنجانده اند که در ابتدا شرط آموزش اسلحه را شرکت در نماز جمعه قسده کرده بودند که بجهت گفتنند آموزش اسلحه میخواهیم، بنحوا زوحدت، (نه شیرشتر نه دیدار عرب) تا اینکه در نوبت امتحانات ثلث اول این مزدوران برای اینکه دانش آموزان را مجبور بشرکت در نماز و وحدت کنند، اعلام نمودند که برای امتحان درس دینی ۱۶ نمره گذاشته شده و ۴ نمره بعدی بسرای کسانی است که در نماز و وحدت شرکت میکنند. از اینرو بسیاری از دانش آموزان در امتحانات شرکت نکردند. دانش آموزانی هم که شرکت کردند به تمام سوالات مطروحه پاسخ دندان شکن و برعکس دادند. مثلاً بطور نمونه در جواب "لا اکراه فی الدین یعنی چه؟" نوشتند یعنی در دین اکراه وجود دارد و به این ترتیب مسئولین مرتجع مدرسه را مورد مضحکه قرار دادند. چنانچه ناچار شدند دوباره از محصلین امتحان بعمل آورند و این بی انگرایین مسئله است که چگونه اتحاد خلق مثنی است برده مان این یاوه گویان .

در بیان این راهپیمایی قطعنا مه راهپیمایی قرائت شد. در این قطعنا مه معلمین خواستار معرفی اعضای هیئت پاکسازی و علل اخراج خود شدند. همچنین تعطیلی مدارس بروجرد در این قطعنا مه محکوم شده بود.

همچنین معلمین اخراجی در روزهای ۲۲ و ۲۳ اسفند با بزرگ نویسی اعتراض خود را در مورد اخراج کردستان بدگوش مردم رسانندند. در این دوروز بحث خیا با شمشیر شد گرفته بود و معلمین مورد اهانته پاسداران قرار گرفتند. خواسته های آنها عبارت بودند از:

- ۱ - خراسا و اکی ها و برکزار کشتندگان ۴ آبسان هنوز سرس کارند.
- ۲ - دلیل اخراج ۴۳ تن معلم را آموزش و پرورش باید توضیح دهد.
- ۳ - بازگشتن ۲۵ تن از محصلین اخراجی پروین اعتمادی.
- درصن معلمین شاغل بشتیانی خود را از آنها اعلام داشته اند.

دانشگاه (مدرسه راهنمایی خود)

روز شنبه ۵۹/۱۲/۲، بدعوت رئیس مدرسه راهنمایی خردا زوالدین دانش آموزان و معلمین جلسه ای در مدرسه تشکیل گردید. در این جلسه، رئیس مدرسه، تاء کیسده داشت که محیط مدرسه با بد محیطی آموزشی باقی بماند و هیچکس در آن فعالیت سیاسی نکند. این مسئله با مخالفت شدید والدین دانش آموزان و معلمین روبرو شد. آنها می گفتند: " چگونه است که انجمن اسذمی بسریستی معاون مدرسه و معلم دینی هرچه میخواهد انجام میدهد، اما دیگران نباید هیچ اقدامی کنند؟ چگونه است که معلم دینی به تمامی گروههای سیاسی فحاشی میکند اما کسی نباید جواب دهد؟

نتیجه این جلسه آن بود که انجمن اسلامی با عسست تشنج در محیط مدرسه است و نباید فعلی داشته باشد. معاون دبیرستان که سرپرست انجمن اسلامی مدرسه است، در مخالفت با این مسئله میگفت که نمیتوانند تحمل کنند که یک بجهت مقدسات یعنی آقای سبشتی ورفسنجانی شوهرین کند و بنا بر این به دانش آموزانی که در خارج از مدرسه فعالیت نمایند، حمله خواهد کرد.

این مسئله که سبشتی ورفسنجانی جزو " مقدسات "

بروجرد - معلمین اخراجی بروجرد روز سه شنبه ۱۹ اسفند

ممنظورا اعتراض به اخراج خود و بازگشت به سرکارها ایشان دست به یک راهپیمایی زدند. مثل همیشه این راهپیمایی با حملات و با شمشیر چماق بدست مواجده شد که بدلیل حمایت زیاد مردم حملات آنها خنثی شد. در این راهپیمایی پلاکاردها با مضمون زیر در دست تظا هر کشتندگان بود:

- ۱ - ما خواستار بازگشت معلمین مبارز و زحمتکش به سرکارهای خود هستیم.
- ۲ - تفتیش عقاید بجنوع و شکلی محکوم است.
- ۳ - معلم، محصل، پیوندتان مبارک.
- ۴ - معلم مبارز ایستاد با بدگورده، معلمین ساواکی اخراج باید گردد.

دروود بسروشاهگردان راستین صدمه دیدگان روزگاری

خود را از اعمال جما فداران بیان میکردند. جما قدامت را ن هرکس را که درخیا با نیا میدیدند و کوچکترین ظنی به او میکردند، پشتت مصروب میکردند. درگیریها تسامعروب ادا مداشت.

تعمیر (دبیرستان فردوسی)

در روز چهارشنبه ۵۹/۱۲/۱۲، دانش آموزان دبیرستان فردوسی بعنوان اعتراض به اخراج و دستگیری دانش آموزان مبارز در سالن دبیرستان جمع شدند. ابتدایکی از دانش آموزان که در درگیری با پاسداران زخمی شده بود سخنرانی کرد اما ناظم دبیرستان (قهرمانی) به اتفاق چند پاسدار از ادا مدهرنا مسه جلوگیری نمودند. دانش آموزان نیز با شعار " زندانی سیاسی آزاد باید گردد " ، " دانش آموز زندانی آزاد باید گردد " متفرق شدند.

سندج (۵۹/۱۲/۱۲)

همواره توده های آگاه خلق با دفرزندان دلیرشان را گرمی میدارند و با تحلیل از خاطره این شهیدان عزم راسخشان را همانند دفرزندانشان در مبارزه با امپریالیسم و سگهای زنجیریش به سما پیش میگذازند. حمیری را که در زیر مطالعه میکنید، نمونه ای است از تحلیل خلق و وحشت بی اندازه رژیم سرسپرده جمهوری اسلامی از این فرزندان دلیر.

در این روز توسط دانش آموزان مبارز و انقلابی سندج برای تقدیر از شهید " سادردوردان " (دانش آموز سال چهارم دبیرستان بوعلی که توسط مزدوران ضد خلقی جمهوری اسلامی در تاریخ شنبه ۵۹/۱۲/۶ تیرا ران شد) در محل گورستان شهر (تایله) مراسمی برقرار گردید. این مراسم مورد هجوم پاسداران و جاشها قرار گرفت و ۶ نفر از دانش آموزان مبارز دستگیر شدند که بر اشرافش دانش آموزان و مردم، مزدوران مجبور به آزاد کردن آنها گردیدند. بعد از بهم خوردن مراسم در گورستان شهردانش آموزان تصمیم به راهپیمایی از محله چهارباغ گرفتند. راهپیمایی با سرود " ای رقیب " و " شهیدان " آغاز شد و شعارهای دانش آموزان عبارت بود از: کاک نادری قهرمان، سقیه در صفحه ۸)

هستند، با اعتراض شدید معلمین مواجه شد. بقیسه جلسه بدلیل بیان وقت به بعد موکول شد.

در تاریخ ۵۹/۱۲/۵، محمدا " جلسه تشکیل گردید و معاون مدرسه و معلم تعلیمات دینی برای آنکسه مانند جلسه پیش آنچنان محکوم نشوند، رئیس آموزش و پرورش با یلسر راه این جلسه آوردند. معلم دینی به سها نده انجام ماء موریت در این جلسه شرکت نکرد و بود تا پیش از این رسوا نشود. در ابتدای جلسه توسط یکی از والدین دانش آموزان توصیه نا مه انجمن اسلا - می (بهتراست بگوئیم بحشانه) بدرخواست جمع خواننده شد و سپس آنها از رئیس آموزش و پرورش درباره سندها رکه سخن از سرکوب فدائینقلاب در محیط آموزشی (!؟) کرده بود، توضیح خواستند. رئیس آموزش و پرورش ابتدا گفت که توصیه نا مدهرا بدقتست مطالعه نکرده است !! سپس بیان کرد که منظور از سرکوب، تنبیه و آگاهی و تربیت است. دوسه تن از معلمین دورقا بچین نیز سخن اورا تاء بید کردند اما حضار بمخالفت با این مسئله پرداختند. آنها میگفتند سرکوب، سرکوب است و الا شامی توانستید لغات بهتری را برای بیان منظورتان بیابید. ما فرزندان خود را بمدرسه نفرستاده ایم تا سرکوب شوند.

والدین دانش آموزان سوال کردند که چرا نمایندگان دانش آموزان در جلسه حضور ندارند و سپس نظر دادند که انجمن اسلامی باید منحل شود و شورای دانش آموزان تشکیل گردد. این مسئله مورد موافقت اکثریت قریب به اتفاق حاضرین قرار گرفت و به این تیب انجمن اسلامی منحل اعلام شد. اما تا کنون (تا زمان تنظیم خبر) شورای دانش آموزان تشکیل نشده است.

لنگرود

در روز پنجشنبه ۵۹/۱۲/۲۸، تمام گروه های سیاسی (بجز حزب توده خائن و اکثریت خائن) به فروش نشریه پرداختند. جما قداران نیز که به سلاحهای سرد و گرم مجهز بودند، طبق معمول بسحل فروش نشریات بیورش آوردند و درگیری مابین آنها و هواداران سازمانهای سیاسی آغاز شد. مردم صراحتا " تنفسر



دانشجویان و دانش آموزان مبارز؛
با بیعتن به جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ شهریور، مسکوب دانشجویان و دانش آموزان مبارز میهنمان را مستحکم تر سازید.

ردیف	نام	ک	ج	م	تاریخ	محل
۱	الف	۱۰۰۱	۱۰۲۱	۱۰۰۰	۱۳۲	سازره رهاشی -
۲	الف	۱۰۰۲	۱۰۲۲	۱۰۰۰	۲۲۴	برسه استونی
۳	الف	۱۰۰۳	۱۰۲۳	۱۰۰۰	۲۰۱۲	سازره رهاشی
۴	الف	۱۰۰۴	۱۰۲۴	۱۰۰۰	۱۳۴	سازره رهاشی
۵	الف	۱۰۰۵	۱۰۲۵	۱۰۰۰	۱۲۱۱	سازره رهاشی
۶	الف	۱۰۰۶	۱۰۲۶	۱۰۰۰	۱۸۲	سازره رهاشی
۷	الف	۱۰۰۷	۱۰۲۷	۱۰۰۰	۲۲۰	سازره رهاشی
۸	الف	۱۰۰۸	۱۰۲۸	۱۰۰۰	۲۲۸	سازره رهاشی
۹	الف	۱۰۰۹	۱۰۲۹	۱۰۰۰	۱۵۴	سازره رهاشی
۱۰	الف	۱۰۱۰	۱۰۳۰	۱۰۰۰	۲۳۲	سازره رهاشی
۱۱	الف	۱۰۱۱	۱۰۳۱	۱۰۰۰	۱۵۴	سازره رهاشی
۱۲	الف	۱۰۱۲	۱۰۳۲	۱۰۰۰	۲۳۲	سازره رهاشی
۱۳	الف	۱۰۱۳	۱۰۳۳	۱۰۰۰	۲۳۲	سازره رهاشی
۱۴	الف	۱۰۱۴	۱۰۳۴	۱۰۰۰	۲۳۲	سازره رهاشی
۱۵	الف	۱۰۱۵	۱۰۳۵	۱۰۰۰	۲۳۲	سازره رهاشی
۱۶	الف	۱۰۱۶	۱۰۳۶	۱۰۰۰	۲۳۲	سازره رهاشی
۱۷	الف	۱۰۱۷	۱۰۳۷	۱۰۰۰	۲۳۲	سازره رهاشی
۱۸	الف	۱۰۱۸	۱۰۳۸	۱۰۰۰	۲۳۲	سازره رهاشی
۱۹	الف	۱۰۱۹	۱۰۳۹	۱۰۰۰	۲۳۲	سازره رهاشی
۲۰	الف	۱۰۲۰	۱۰۴۰	۱۰۰۰	۲۳۲	سازره رهاشی

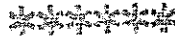
رفقا :

- ۱ - بعنوان نام خود تنها یک حرف را همراه ساکنک و کد دستنویسید. درج کدکها با نام کامل یا دو حرفی برای ما مشکلاتی را در بر دارد.
- ۲ - نام شهر خود را حتما ذکر کنید.

شهادت	جریکهای فدائی خلق	تاریخ شهادت	محل شهادت
در تاریخ ۵۹/۱/۲، رفیق حسین کریمی	علی میرابیون	۵۹/۱/۴	تاریخ شهادت
از گروه آرمان خلق در درگیری مسلحانه با	یدالله ساسیمی	۵۹/۱/۹	"
عوامل مزدور شاه شهادت رسید.	شزال آیتی	۵۹/۱/۱۰	"
در تاریخ ۵۳/۱/۳۰، مجاهد خلق ذوالشوی	عباس هوشمند	"	"
ارومجاهد خلق مصطفی جوان خوشدل همراه ۲ تن	سیدمین پنجه شاهی	"	"
از جریکهای فدائی خلق ایران در زندان شاه	حبیب شوئنی	"	"
جلاد شهادت رسیدند.	حمید آترامی	"	"
	حسین بارسنجری	"	"
	جواد سلاخی	"	"
	محمد شاکر امینی	"	"
	بزرگ جزئی	"	"
	محمد خویانزاده	"	"
	ستیدگل آتری	"	"
	تربو سمدی	"	"
	احمد جمیل اسرار	"	"
	عباس سوورتی	"	"
	حسن ضیاء خاوری	"	"

هم میخان عزیز،
جریکهای فدائی خلق ایران برای
پیشبرد مبارزه شدت "ساکنک مالی شعا
ساز شدند. اسن کمکیا را سوسائل مقتضی و
از طریق مطمئنی که خود سی شناسید در اختیار
ما قرار دهید.

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر



رفقای مسئول توزیع خبرنامه
بنای خبرنامه ۳۰ ریال است، ولی برای توزیع آن در سن زحمتگشان پولی دریافت نکنید.